

گوهر معنا در صدف لفظ

(شرح و تحلیل و بررسی الفیه گلشن راز، اثر شیخ محمود شبستری)

«عارف و سخنگوی ادبیات عرفانی»

اوایل قرن هشتم هجری (۷۲۰؟ هـ - ۶۷۸ هـ)

مقدمه، در آمد، نقد، شرح، تحلیل و بررسی

دکتر غلامحسین عمرانی

«جلد اول»



فصل پنجم

ناشر تخصصی شعر

فهرست نویسی پیش از انتشار کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران

سرشناسه: عمرانی، غلامحسین، ۱۳۲۲ -

عنوان قرارداد: گلشن راز، شرح

عنوان و نام پدیدآور: گوهر معنا در صدف لفظ: شرح و تحلیل و بررسی الفیه گلشن راز: اثر

شیخ محمود شبستری / مقدمه، درآمد، نقد، شرح و تحلیل و بررسی غلامحسین عمرانی،

مشخصات نشر: تهران: فصل پنجم، ۱۳۹۱.

مشخصات ظاهری: ۱۶۰ ص.

شابک: 978-600-304-019-9

وضعیت فهرست نویسی: فیا

موضوع: شبستری، محمودبن عبدالکریم، ۶۸۷ - ۹۷۲ ق.، گلشن راز - نقد و تفسیر

موضوع: شعر فارسی - قرن ۸ ق. - تاریخ و نقد

موضوع: شعر عرفانی - قرن ۸ ق. - تاریخ و نقد

شناسه افزوده: شبستری، محمودبن عبدالکریم، ۶۸۷ - ۹۷۲ ق.، گلشن راز، شرح

رده بندی کنگره: ۲۹۱.۸۶۸۰۸ / گ۷۰۲ / PIR۵۵۰۲

رده بندی دیویی: ۱۷۱ / ۱۰۱

شماره کتابشناسی ملی: ۲۰۱۷۱۷



فصل پنجم

ناشر تخصصی شعر

گوهر معنا در صدف لفظ

(شرح و تحلیل و بررسی الفیه گلشن راز، اثر شیخ محمود شبستری)

مقدمه، درآمد، نقد، شرح، تحلیل و بررسی

دکتر غلامحسین عمرانی

ناشر: فصل پنجم

چاپ اول: تهران ۱۳۹۱

شمارگان: ۱۱۰۰ نسخه

لیتوگرافی: سحر، چاپ: شاهین، صحافی: خیام

شابک: ۹۷۸ - ۶۰۰ - ۳۰۴ - ۰۱۹ - ۹

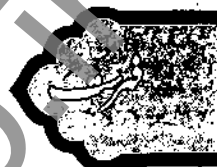
حق چاپ برای ناشر محفوظ است.

صندوق پستی ناشر: ۱۴۶۶۵/۱۵۹۵

مرکز پخش: میدان انقلاب، ابتدای کارگر جنوبی، کوچه مهدیزاده، شماره ۴، واحد ۱۰

تلفن: ۶۶۹۰۹۸۴۷ - ۰۹۱۲۱۵۹۱۸۹۱ تلفکس: ۶۶۹۰۹۸۴۸

سایت فصل پنجم: www.Fasle5.ir



۱۱	یادآوری
۱۵	مقدمه
۱۷	استادان شیخ محمود شبستری
۱۹	مقام عرفانی شیخ محمود شبستری
۲۳	درآمدی بر تفکر عرفانی شیخ محمود شبستری در گلشن راز
	درآمدی بر «ادبیات تفکری» و نسبت آن با گلشن راز، اثر شیخ محمود شبستری
۳۷	
	منظومه‌ی گلشن راز با استفاده از شرح «لاهیجی»، «الهی اردبیلی»، «دکتر دزفولیان» و «دکتر ثروتیان»
۵۷	

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نشانه‌ی سپاس و قدر دانی از فعالان عرصه‌ی علوم و تحقیقات و فن آوری در
واحد دانشگاهی ورامین - پیشوا :

ریاست محترم واحد دکتر حسینعلی شیبانی، معاونت محترم پژوهشی دکتر
مریم عیدی، استادان و پژوهشگران با سابقه دکتر سید محمد ترابی و دکتر کاظم
دزفولیان و محقق فاضل و پژوهشگر کوشا جناب استاد علیرضا قوجه زاده.

با احترام

دکتر غلامحسین عمرانی

عضو هیأت علمی واحد ورامین - پیشوا

استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی

اهدای کتاب به روح زنده یاد استاد دکتر بهروز ثروتیان
برکارترین استاد دانشگاه در عرصه‌ی تألیف کتاب‌های
علمی، پژوهشی، ادبی، فن شعر، نقد شعر و عرفان علمی در
پنجاه ساله‌ی اخیر.

www.ketab.ir

یادآوری

در این مجموعه‌ی پژوهشی نیز همچون دیگر آثار پژوهشی‌ام مسایل و موضوعات ادبیات و عرفان را به دیدی نقّادی نگریسته‌ام و یکسره تسلیم فضای بسته‌ی اعصار و قرون گذشته که شاعران و نویسندگان و متفکران بزرگی همچون خیّام، فردوسی، ناصر خسرو، انوری، سعدی، نظامی، خاقانی، سنایی، عطار، مولوی، حافظ و صدها گوینده‌ی توانای ایرانی را تحویل جوامع امروزی داده است، نشده‌ام. زیرا چرخه‌ی روزگار، بسیاری از ارزشها را دگرگون ساخته و حق و باطل را چنان در هم آمخته است که معیاری برای بازشناسی سره از ناسره در سخنوری در دست نیست، مگر کسانی که به یاری اندیشه (تفکر) و عشق ورزی به زبان (اندیشه)، بر «دگماتیسم» و «جزم‌گرایی» غالب شده‌اند. پژوهنده‌ی این کتاب، اگر چه شرح گلشن‌راز را از روی متن و شروح حکیم لاهیجی (قرن دهم ه)، حکیم الهی اردبیلی (قرن یازدهم ه)، دکتر دزفولیان (معاصر) و دکتر ثروتیان (معاصر) تلخیص و اقتباس کرده است اما توسن اندیشه را به دست هیچ یک از شارحان و محققان فوق نداده است. بل خود به یاری اندیشه به نقّادی و ویرایش سخن بزرگان سخن پرداخته و به اندازه‌ی بضاعت علمی خود از ذوق و چاشنی زبان امروزی بهره‌مند شده است تا خوانندگان علاقه‌مند به «ادبیات تفکری» و «ادبیات عرفانی» بتوانند از این رهگذر، رهتوشه‌ای بگیرند. در این میان، خاصه مقاله‌ی سراسر نقدگونه‌ی «درآمدی بر تفکر عرفانی» از نویسنده‌ی این کتاب، پیش از شرح و تحلیل و بررسی متن، قابل تأمل است و با ابزار ادبی و کلامی قابل دریافت نیست، مگر با تجهیز به اندیشه و زبان «هایدگر»!

خبرگی و پرکاری دکتر بهروز ثروتیان در ادبیات کهن و ادبیات معاصر و نیز تسلط آن استاد عاشق و صادق در قلمرو ادبیات ترکی آذربایجانی و همچنین مهارت و تبخیر آن یارموافقی نظامی گنجهای و شیخ محمود شبستری در عالم پاک و روشن و زلال ادبیات تعلیمی و عرفانی موجب شده است تا کتاب حاضر را به روان آن استاد فرهیخته در جهان مینوی اهدا کنم. به همین مناسبت قطعه شعری که در رثایش سروده‌ام، تقدیم دوستداران حقیقی ایشان، خاصه دوست وفادار، محقق و فاضل و همکار ارجمندم علیرضا قوجه‌زاده که از نزدیک با استاد دکتر بهروز ثروتیان همکاری علمی داشت، ضمن آرزوی سعادت و سلامت برای این دوست، از خداوند، علو درجات معنوی استاد خلدآشیان را در سرای باقی مسئلت می‌نمایم.

تقدیم به زنده یاد استاد دکتر بهروز ثروتیان

من این مرد خدا را دیده بودم
دلی درسینه، چون نیلوفران داشت
مدامش ذکر یارب بود بر لب
به جام سینه، خون ارغوان داشت

به جان، مست گهرهای دری بود
«نظامی» را چو جاننش دوست می‌داشت
به هر «گلشن» که رازی بود پنهان
در آنجا سوسن آزاده می‌کاشت

به عمر خود «بیان» را داد سامان
 به ذوق خود سخن را چاشنی داد
 به تألیفات و تصنیفات دل بست
 به جان، رسم ادب را کرد بنیاد

به نظم پارسی از شهر یاران
 نظر بر «شهریار پارسی» کرد
 وزان پس، «حافظ اسرار دل شد»
 گهر از سینه‌ی دریا برآورد
 وزان پس، «حجۃ الاسلام نیر»
 از او دل بُرد با اشعار دینی
 روان شد سویی «شمس الدین تبریز»
 به شوق «مولوی» بانگته بینی

به «تیما» هم ارادت داشت آن مرد
 معلّم وار در شعرش نظر کرد
 پس از تحلیل و نقد و بررسی، هم
 به عرفان و ادب از نو گذر کرد

به هر گلشن که بهروزی در آن بود
 به ثروت شد قرین «گلشن راز»
 چو در آوازه‌ی «هامون» نظر کرد
 سر «گلشن» برآورد، آن سرافراز

مقدمه

پس از ستایش ایزد متعال - آفریننده‌ی لوح و قلم و معلّم اسماء و بیان - درود بی پایان بر روان تابناک محمّد مصطفی (ص) و خاندان پاکش باد! که دل و زبان اهل دانش را به انوار سرمدی خود روشنی بخشیدند.

اما بعد، به رسم مؤلفان در ابتدای این پیشگفتار به معرفی اجمالی آفریننده‌ی منظومه‌ی گلشن راز پرداخته و سپس دراهمیت این اثر گرانسنگ، سخنی چند گفته خواهد شد.

شیخ سعدالدین محمودبن عبدالکریم بن یحیی شبستری از عارفان قرن هشتم هجری است که در حدود سال ۶۸۷ هجری در ایام سلطنت کیخاتو خان در قصبه‌ی شبستر واقع در هشت فرسخی شهر تبریز به دنیا آمد و در عهد سلطنت سلطان محمد خداپنده و ابوسعید بهادرخان در آذربایجان مرجع علما و فضلا بود. (محمدعلی تبریزی، ریخته‌الادب، ج ۳، ص ۱۷۹؛ زین العابدین شیروانی، ریاض السیاحه، ص ۹۰؛ سخنوران آذربایجان، ص ۱۵۲؛ دانشمندان آذربایجان، ص ۳۳۴؛ محمدعلی تربیت، مجله ارمغان، سال دوازدهم، شماره‌ی ۹، ص ۶۰۱) وی در تبریز به کسب دانش معمول زمان خود پرداخته و سپس راه سفر به مصر، شام و حجاز را پیش گرفته و از دانشمندان و مشایخ عصر بهره‌های معنوی برده است. نوشته‌اند که وی پس از کسب مدارج علمی، ادبی و عرفانی به ایران بازگشته و به کرمان مسافرت کرد و در آنجا تأهل اختیار کرد و در آن شهر اولاد و احفادی از او به وجود آمدند که برخی از آنها اهل فضل و کمال بوده و به «خواجگان» شهرت یافته‌اند. (دانشمندان آذربایجان، ص ۳۳۵؛ سخنوران آذربایجان، ص ۱۵۲؛ ریاض السیاحه، ص ۹۰) وی به سبب علاقه به تبریز، سرانجام به زادگاه خود بازگشته و در سال ۷۲۰ هجری در ۳۳ سالگی وفات یافته و در شبستر، وسط باغچه‌ای که به گلشن معروف است، در جوار مزار استادش «بهاء الدین یعقوب تبریزی» مدفون شده است. (تاریخ نظم و نثر در ایران، ج ۱، ص ۱۶۹؛ مجالس النفایس، ص ۳۶۶ و ۳۶۷؛ سخنوران آذربایجان، ص ۱۵۲)